

The Establishment of a Special Form of Orezanevisis in the Safavid Era



Omid Rezaei¹

Abstract

Ghavam Mohammad Shirazi was an administrator of religious and judicial affairs in the Safavid era. After several years writing, examining, and verifying the deeds, and in response to the needs of society and the demand of his relatives, he wrote a book called Resaleh Dastour (Shorout), meaning rule book (conditions). This work talks briefly about a special type of sejel (recorded manuscript) called “Oreza Neveshtan”, common among the judges and nayebs (procurators) of Shiraz. The concise work mentions nothing about the way of writing it. This study aimed to explore the writing of this special type of sejel on sharia decrees (deeds). This was done using a descriptive analytical method and relying on documents published in the form of books and articles and archival sources. In the meanwhile, Shirazi narrating style was validated. The results indicated that by “Oreza Neveshtan” they mean graphically using the words “Oreza... Alayya” (it was offered... to me) in the recorded manuscripts of the highest-rank Safavid officials in Isfahan and not the judges of Shiraz. This way of recording indicates the difference of authority of Sheikh al-Islam and Nayib al-Sadr from other Islamic jurists in Isfahan in the Safavid era.

Keywords: Orezanevisi, Manuscript Writing, Diwan al-Sidara, Safavid, Sheikh al-Islam, Isfahan.

1. MA in History, Law Researcher, Endowments Organization, Tehran, Iran (rezaiomid@gmail.com)



استقرار فرم خاص عَرَضِ نویسی در دوره صفوی

امید رضائی^۱

چکیده

از جمله متصدیان امور دینی و قضائی دوره صفوی که پس از سال‌ها فعالیت در حوزه نگارش و تصدیق و بررسی حقوقی قباله‌ها، برحسب نیاز جامعه و تقاضای اطرافیان اثری به نام رساله دستور (شروط) نوشت، قوام محمد شیرازی است. در این رساله از نوع سَجَل (تصدیق) خاص با عنوان «عَرَضِ نوشتن» که در میان قضات شیراز و نایبان مرسوم بوده به اختصار سخن رفته است، چنانکه درباره طرز نگارش و تدوین آن مطلبی ارائه نکرده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحلیلی توصیفی مبنی بر اسناد منتشره در قالب کتاب و مقاله و منابع آرشیوی، ضمن اعتبارسنجی روایت شیرازی، طرز نگارش و تدوین این نوع سَجَل خاص بر وثایق شرعی (قباله‌ها) را بررسی نماید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که منظور از عَرَضِ نوشتن استفاده از کلمه «عَرَض ... عَلَیَّ» به طرز گرافیکی در سَجَل عالی‌ترین مقامات صفوی مستقر در اصفهان بوده نه قضات شیراز. این سَجَل اقتدار و تمایز صدور، شیخ الاسلام و نائب‌الصدر را از سایر فقها در اصفهان دوره صفوی برای معاصران و آیندگان یادآور می‌شود.

واژگان کلیدی: عَرَضِ نویسی، نوشته‌نگاری، دیوان‌الصداره، صفوی، شیخ‌الاسلام، اصفهان

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، محقق حقوقی، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، ایران (rezaiomid@gmail.com)

مدخل

یکی از معانی سِجِل (تصدیق) در مورد عقود و ایقاعات^۱، تأیید نوشته متن سند (قباله/ وثیقه) توسط قاضی یا موثقین در ذیل یا هامش است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۹: ۷۵۰/۲). در رساله دستور (شیرازی، ۲۰۲۱) که یک دیوان سالار قضائی دوره صفوی به نام قوام محمد شیرازی در حوالی ۱۰۰۰ق به زبان فارسی نوشته، درباره نوع خاصی از سِجِل به نام «عُرْض نوشتن» قاضی قضات فارس در حدود ۳۰۰ کلمه سخن رفته است. این پاراگراف در آخرین بخش «باب ثانی از خاتمه» آمده است. (شیرازی، ۲۰۲۱: ۱۵۷-۱۵۶) این در حالی است که خاتمه شامل دو باب بوده و باب اول به «خطبه و سِجِل هر یک از وثایق» اختصاص دارد. (همان: ۱۳۹-۱۱۵) ضمناً، برخلاف شیوه رساله، در این بخش او به عنوان نمونه، حتی متن یک عُرْض نوشته را ارائه نکرده تا چه رسد به اینکه ساختار کلی آن‌ها را تشریح نماید.

پیشینه پژوهش

در راستای این پژوهش اصل و رونوشت‌های وقف‌نامه‌های دوره صفوی فارس، حداقل در آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه بررسی شد، ولی حتی یک نمونه سند عُرْض دار به دست نیامد. از این‌رو، این پرسش را می‌توان مطرح نمود که آن پاراگراف پایانی را واقعاً شیرازی نوشته یا فردی دیگر به متن الحاق نموده است؟ بررسی قدیم‌ترین اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (Gronke, 1982) هم آشکار کرد در این منطقه سِجِل نویسی با «عُرْض» معمول نبوده است، اما در میان قباله‌های قرن هشتم و سال‌های پایانی قرن نهم هجری قمری، محفوظ در موزه ماتناداران ایروان که چند دهه قبل شرق‌شناس معروف، هاکوپ پاپازیان (۱۳۷۶-۱۲۹۸ ش) تصحیح و منتشر کرده است، حداقل دو نمونه عُرْض دار وجود دارد که در ادامه معرفی خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش پژوهش‌های تاریخی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تعداد قابل توجهی اصل و سواد (رونوشت) وقف‌نامه‌ها و قباله‌هایی است که در چند آرشیو و چند کتاب به دست آمده‌اند به کمک می‌کنند تا حد امکان موضوع تأسیس و تداوم یک قاعده سِجِل نویسی را در وثایق شرعی دوره صفوی نقد و بررسی نمود.

قرن هشتم و نهم هجری قمری

یک نمونه اولیه که سِجِلی با شروع «عُرْض» دارد، تصدیق مفصلی بر وقف‌نامه کلیسای حضرت کورک در جزیره لیم دریاچه وان به تاریخ شعبان ۷۰۴ق/۱۳۰۵م است. (پاپازیان، ۱۹۶۸: ۵۰۹/۲، ۴۰۶) این تصدیق ۵۰ کلمه‌ای

۱. در عقد به اراده دو نفر نیاز است، اما در ایقاع تنها با اراده یک نفر، عمل حقوقی صورت می‌گیرد. برای بستن قرارداد نیاز به توافق است، اما برای شکل‌گیری ایقاع، نیاز به توافق نیست. قرارداد چون با توافق صورت می‌گیرد نیازی به اعلان ندارد، اما ایقاع، اگرچه یک عمل منفرد است برای اینکه اثر داشته باشد، باید اعلام شود.

چهاربخشی است. بخش اول «بعد ما عُرِضَ عَلَيَّ» است. بخش دوم فشرده‌ای از مفاد سند که مطابق شرع است. بخش سوم معرفی فقیه و بخش چهارم مهر تأییدیه مفاد تصدیق که از این قرار است: «بعد ما عُرِضَ عَلَيَّ هذه الوقفية المشتملة على اوقاف كنيسة المدعوة بكنيسة ليم الكائنة بلوای آموك من توابع وان المحمية تفرق لفرق الأرامن الذمى النصرارى و صادقت مضمونها مطابق للشرع الشريف فحيث جوز اوقافهم أمضيتها على ما ألقيتها وأنا الفقير خادم الشرع شجاع بن محمد المفوض اليه قضاء وان. مهر».

در حدود دویست سال بعد، در واپسین سال‌های قرن نهم هجری قمری، تصدیقی ۱۳ کلمه‌ای داریم که بر قباله قریه اوشکان به تاریخ ۲۵ رمضان ۸۹۴ ق/ ۱۴۸۹ م نوشته شده است. (همان: ۵۵۴، ۴۵۴) این تصدیق فشرده که با «هو» شروع شده برخلاف سجل قبلی بلافاصله با «عُرِضَ» شروع شده، سه بخشی است. بخش اول آن «عُرِضَ عَلَيَّ»، بخش دوم اشاره‌ای به مفاد سند که مطابق با شرع بوده است و بخش سوم معرفی صاحب سجل است. این شخص مهری برای تأییدیه نوشته‌اش نداشته است. متن سجل بدین قرار است: «هو/ عُرِضَ عَلَيَّ و اطلعت على ما فيه. حرره يعقوب الحنفي چخورسعدی».

این دو نمونه با نمونه‌های شناخته شده در قرن دهم هجری قمری که در ادامه معرفی خواهد شد، در عین شباهت متنی یک تفاوت بنیادی صوری دارد.

مقامات دینی عالی رتبه ساکن اصفهان

چنانکه گفته شد، در رساله دستور موضوع «عُرِضَ نوشتن» قضات فارس به اختصار مطرح شده و پایه‌گذار این شیوه تصدیق نویسی را فیلسوف معروف، علامه ملا جلال‌الدین دوانی (وفات ۹۱۸ ق یا ۹۲۸ ق) قاضی فارس (دهخدا، ۱۳۸۳: ۶۸/۵) معرفی کرده که تصدیق خود را در حاشیه راست (حاشیه یمین) محاذی سطر اول و دوم وثائق شرعی (بناحیق/ حجات) می‌نوشت. مؤلف در ادامه تأکید دارد وقتی نوبت به غیاث‌الدین منصور حسینی حسینی دشتکی (وفات ۹۴۰ ق یا ۹۴۸ ق یا ۹۴۹ ق) رسید که صدر الصدور شاه‌طهماسب بود و در چهارده سالگی داعیه جدل و مناظره با علامه دوانی را داشت، (همان: ۱۴۸۹۰/۱۰) به سبب علو شأن محل عُرِضَ، از حاشیه راست صفحه به صدر قریب سر وثائق تغییر یافت و از آن تاریخ تا زمان تحریر این رساله، وکلا و نواب هر دو به همان قاعده قدیم رفتار می‌کنند. عین عبارت او چنین است: «و در ازمنه قضات سابقین عُرِضَ نوشتن متعارف نبود و رقم قاضی قضات به «یمین» سجل بود و اگر در عصری قاضی متعدده بوده رو به یکدیگر کرد سجل می‌نموده‌اند الا بعضی که به واسطه علو رتبه و امتیاز از شرکا مقدم فی الجمله بر ماسوای کرده‌اند. [۱۵۱]*] (۱۴۷) / چون نوبت به متأخرین رسید مثل حضرت علامه دوانی، قدس سرّه، و ما بعد زمانه به واسطه کثرت علو شأن، عُرِضَ بر حجات می‌نوشته‌اند و در «محاذی سطر اول و دویم» از «حاشیه یمین» صورت عُرِضَ علی عُرِضَ صرف و امثال ذلک نوشته‌اند و گاهی جمع میان عُرِضَ و سجل هم کرده‌اند جهت حفظ مرتبه قاضی قضاتی و یک مرتبه که از آن متجاوز شده نوبت به عالیحضرت علامه‌العلمائی فی العالم امیر غیاث‌الدین منصور قدس سرّه رسید به واسطه کثرت علو شأن و سمو مکان و غلبه من جمیع الوجوه بر اکبر سلف و خلف بلکه بر صدور منیع الشأن، محل

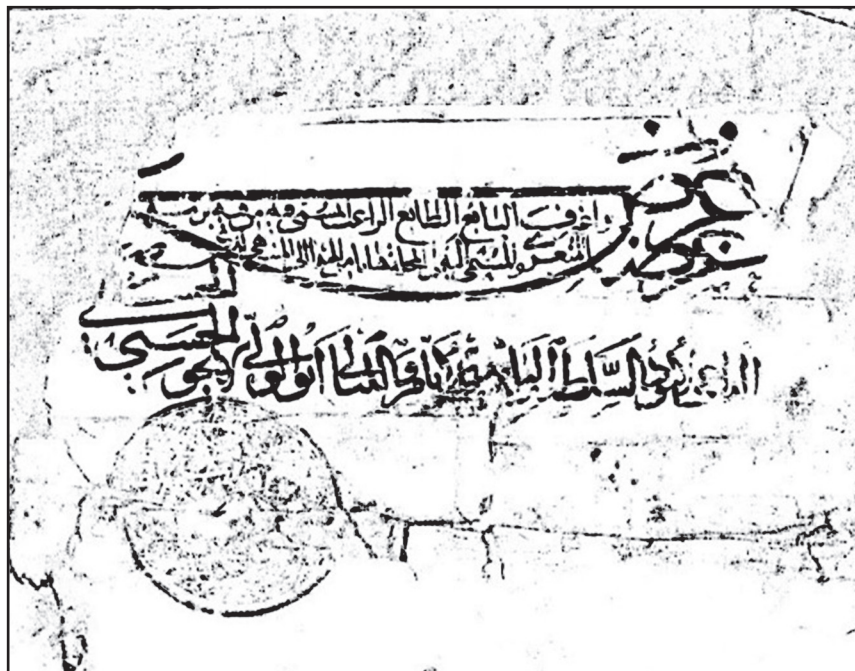
عُرْض را از حاشیه معهوده حجات تغییر داده‌اند بر فوق سجلات صدر، قریب به سر بنچاق قرار داده، عُرْض خود مرقوم می‌فرمودند و گاه بر عُرْض دیگر عبارات مشعر بر مقاعد حجت و موهم دیگر تعریضات بر مقاصد ما بُلغ، بیان و أفصح تبیان که بی تکلف، جان معانی کثیره و تعریضات خفیه در قالب عبارت قصیره، مندرج فرموده، اضافه نموده، مبادی صدر مجله را مزین و مشرف می‌نمودند. وکلا و نایبان ایشان بر جای سجل قضات سلف سجل مشحون به القاب همایون آن حضرت [۱۵۲*] (۱۴۸) می‌نوشتند و بی تکلف، اکثر آن جماعت که نواب آن حضرت بودند استحقاق و استیصال این امر داشتند و ارتقاء عُرْض مخترع و سُنَّة سَنِّیه آن حضرت علی مرتبت بود و از آن تاریخ الی الیوم حضرات عالیات که قاضی قضات فارس بوده‌اند و هستند، اقتدا به این سنت نموده‌اند و می‌نمایند و وکلا و نواب حضرات به همان قاعده قدیم، سجل خود بر صدر مجلات مشحون به شطری از مناقب منوب قلمی می‌نمایند و بالجمله شأن عالی حضرات متأخرین در آن مرتبه بوده و هست که وکلا و نایبان خود را در مرتبه قضات سلف می‌داشتند و می‌دانند [...]. (شیرازی، ۲۰۲۱: ۱۵۷-۱۵۶)

این رساله مورد توجه بهاللو قرار گرفته است. (Bhalloo, 2023: 25-27) او بآنکه صرفاً به قبالة کفشگران که نیم قرن قبل (۱۳۵۱ق) معرفی و منتشر شده (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۲: ۹۹۶-۹۹۱)، پرداخته، اما از عبارت «از چند فقره از اسناد حقوقی صفوی به این نتیجه می‌رسیم که یک اتفاق مهم توسط قاضی افتاده»، استفاده کرده است. (Bhalloo, 2023: 26) مدرسی طباطبائی نخستین بار، به درستی کلمات ابتدای تصدیق را «عُرْض غَرَضَه» (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۲: ۹۹۶) قرائت کرد، اما در انتشار دوباره این مقاله به «عُرْض غَرَضَه» تغییر داد. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶: ۹۰) بهاللو بآنکه به مقاله ۱۳۵۲ش استناد نموده، اما قرائت دوم را انتخاب کرده است. احتمال دارد آزادی عمل خوشنویس در زیبانویسی سبب شده باشد تا که نقطه حرف «غ» در «غَرَضَه» را از بالا حرف «غ» به داخل دهنه آن ببرد. بعلاوه، او این تصدیق را با استفاده از پنج حرف نخست الفبای انگلیسی، پنج‌بخشی معرفی کرده است (Bhalloo, 2023: 26-27) و این نیز خالی از ایراد نیست و در ادامه از آن سخن می‌رود.

انجوی حسنی حسینی

چنانکه گفته شد، فعلاً تصدیق ابوالولی بن شاه محمود انجوی حسنی حسینی قدیم‌ترین عُرْض نویسی در دوره صفوی است. (تصویر ۱) او از ۹۷۶ق وارد مناصب دیوانی شد تا اینکه بالاخره پس از پشت سر گذاشتن مناصب مختلف از ۹۹۶ق تا ۱۰۱۵ق، صدر شاه‌عباس صفوی شد. نکته جالب توجه محل تصدیق یا همان عُرْض ابوالولی انجوی است که باگذشت هفت الی هشت دهه از وفات علامه دوانی، همچنان در حاشیه راست بالاتر از دو سجل دیگر ترسیم گردیده است. این نمونه اصیل آشکار می‌سازد عُرْض نوشتن صرفاً نوشته‌ای نبوده که با کلمه «عُرْض» شروع شود، بلکه عبارت «عُرْض غَرَضَه ... عَلَی» بوده که در این تصدیق به دلیل افتادگی «عَل» از واژه «عَلَی» فقط «ی» کشیده آن باقی مانده است. درحالی‌که بهاللو آن را خطی سیاه (a blake line) دانسته است. (Bhalloo, 2023: 27) بخش‌های سه‌گانه بعدی عبارت‌اند از عبارت فقهی مرتبط با عقد مشتمل بر «اعترف ... لَدَی» و مشخصات صاحب تصدیق مشتمل بر «الدّاعی ... الحسینی» و در پایان مهر تأییدیه تصدیق.

این سَجَل ما حاصل تلاش خلاقانه یک خوشنویس مبتز بوده است. او با سه خط ثلث، نسخ و رقاع این سَجَل را نوشته است. با توجه به منبعی تاریخی احتمال دارد این اثر هنری را مولانا میرزا علی، خوشنویس، منشی، خطیب، قاری، قاضی سلطانیه و طارمین پدید آورده باشد. او در کتابت خطوط، مهارت تمام داشت و حجج، صکوک، قبالات و امثله دیوان الصداره انجوییه به قلم و رقم او بود. (درباره این هنرمند، نک: منشی قمی، ۱۴۰۰: ۷۷-۷۶) بخش اول یا همان «عُرْضُ غَرَضُهُ ... عَلَيَّ» به خط ثلث که از نظر اندازه و وزن حروف و کلمات از بقیه کلمات و بخش‌ها برجسته‌تر است، بخش دوم عبارت فقهی به خط نسخ و بخش سوم مشخصات صاحب تصدیق به خط رقاع است. بخش اول با قلمی درشت‌تر از سایر بخش‌ها متمایز گردیده است. از نظر خوشنویسی، در ترکیب این کلمات (عُرْضُ غَرَضُهُ ... عَلَيَّ) که می‌توان آن‌ها را یک عبارت فرض کرد، به سبب دقت در تحریر، حسن مجاورت وجود دارد. تعیین اندازه و طریقه قرار گرفتن اشکال برحسب خط کرسی و مجاورت در این سَجَل کاملاً هویداست. به عبارت دیگر، در این سَجَل، حرف «ض» در «عُرْضُ» به صورت جزر نوشته شده تا عبارت دو سطری بخش دوم را در برگیرد. حتی می‌توان گفت خوشنویس، اول عبارت دو سطری بخش دوم را به خط نسخ تحریر کرده باشد، سپس حرف «ض» از بخش اول را و در ادامه دهانه ضاد را با استفاده از حرف «ی» و قاعده مدنویسی تام پوشانده، بعد از آن «عُرْ - غَرَضُهُ -» را برحسب قاعده حسن هم جواری با همان قلم در سطر بالا و پایین نوشته، (درباره اصول خوشنویسی و انواع خط، نک: یوسفی، ۱۳۸۳) و در آخر، بخش سوم را آورده است که دقیقاً طول عبارت آن به اندازه «عُرْضُ» است.



تصویر ۱: عُرْضُ نَوِیسی چند سطری به خط نسخ، ثلث و رقاع (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم‌ها: ۴۰۴۲)

این خوشنویس فراتر از یک محرر شرعیات عمل نموده، به طوری که تصدیق نویسی را در شکل و فرمی فکورانه

و البته چشم‌نواز ارائه داشته است، چنانکه بیننده صرفاً با یک متن مواجه نیست، بلکه با یک نوشته‌نگاری (تایپوگرافی) روبرو است؛ نمادی بالای سطر اول و نزدیک سمت چپ صفحه که به خوبی جلوه‌گری دارد و در میان سایر مصدقان سند، او را متمایز می‌سازد. استفاده از این روش سبب شد تا این مجموعه چندگانه به لحاظ بصری، اطلاعات را به‌گونه‌ای ساماندهی کند که به راحتی قابل تمایز و خوانش باشد. شایان ذکر است با توجه به دو سندی که از ابوالولی انجوی سراغ داریم: یکی رونوشت وقف‌نامه میرزا احمد کفرانی به تاریخ جمادی‌الاولی ۹۸۸ ق (اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۲۷۷-۲۳۸) و مبیعه‌نامه قطعی شهربانو زوجه میرزا سلمان جابری انصاری به تاریخ ربیع‌الاول ۹۸۹ ق (اشراقی، ۱۳۷۶: ۹-۴) به نظر می‌رسد او تا قبل از مبیعه‌نامه ۹۹۹ ق کفشگران انجوی عَرَضَ نویسی نمی‌کرده است.

خاندان کرکی

اسنادی وجود دارد که توسط افرادی از خاندان کرکی (درباره این خاندان، نک: جعفریان، ۱۳۸۷) که منصب صدارت (درباره صدور، نک: Arjomand, 1984, Part 5 و درباره اسناد بجا مانده از صدور صفوی، نک: مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۳؛ همچنین بهاللو و رضائی، ۱۴۰۰) و شیخ‌الاسلامی داشته‌اند، عَرَضَ نویسی شده است. یکی از این اسناد که عَرَضَ نویسی دارد، وقف‌نامه مورخه ۱۰۵۵ ق میرزا محسن رضوی بوده که در مسیر سفر به حج و اقامت در اصفهان تنظیم شده است. البته در متن آمده یک بار پیش از مفاد آن در ۱۰۵۳ ق در محضر علمای مشهد تنظیم و صیغه وقف جاری شده بوده است. اصل سند در دست نیست. نسخه منتشرشده بر اساس رونوشتی قاجاری است. (انزایی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۰۹) در این نسخه تصدیق موردنظر چنین رونویسی گردیده است: «قد عَرَضَ عَرَضَ الصَّحِيفَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ عَلَيَّ لَدَى السَّيِّدِ الْوَأَقْفِ، عَرَضَ مَضْمُونِ بَيَانَةِ صَرِيحاً لَمْ يَشْرُ فِيهِ». (همان: ۱۰۹)

این سند، تاکنون قدیم‌ترین عَرَضَ نویسی هم‌زمان است. بدین معنی که دو نفر هم‌زمان با استفاده از «عَرَضَ» مفاد این سند شرعی را تصدیق کرده‌اند. با توجه به زمان تحریر سند، اولین «عَرَضَ عَرَضَهُ ... عَلَيَّ» به احتمال زیاد متعلق به میرزا حبیب‌الله صدر (۱۰۶۰-۱۰۴۱ ق) باشد. عبارت تصدیق دوم که کوتاه بوده چنین است: «عَرَضَ مَضْمُونِ بَيَانَةِ صَرِيحاً لَمْ يَشْرُ فِيهِ». تصدیق دوم از این نظر مهم است که بجای «عَرَضَهُ» از «مَضْمُونِ بَيَانَةِ» استفاده کرده که معنی و مفهوم دیگری از «عَرَضَهُ» است. با توجه به نمونه‌های دیگر که در ادامه ارائه خواهد شد، احتمالاً این تصدیق متعلق به یکی از فرزندان او چه بسا میرزا علی‌رضا شیخ‌الاسلام اصفهان باشد. با این توضیحات، حال می‌توان گفت کسی که این رونوشت را تهیه نموده، مسلماً با قاعده عَرَضَ نویسی و پدیدآورندگان آشنا نبوده است. از این رو، متن دو سجد را در هم ادغام و به اشتباه مهر شاه‌عباس را زیر آن افزوده است.

سند دیگر عَرَضَ دار، وقف‌نامه کوتاهی از محمد جابری انصاری است که احتمالاً کمی پس از وقف‌نامه مفصل او در همان ۱۰۵۸ ق تنظیم شده است. (اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۴۳۳/۵، ۳۹۹) این تصدیق که یک عَرَضَ نوشته مختصر دارد کلاً به خط رفاع است. در این سجد نمادگونه، حرف «ض» در «عَرَضَ» به صورت

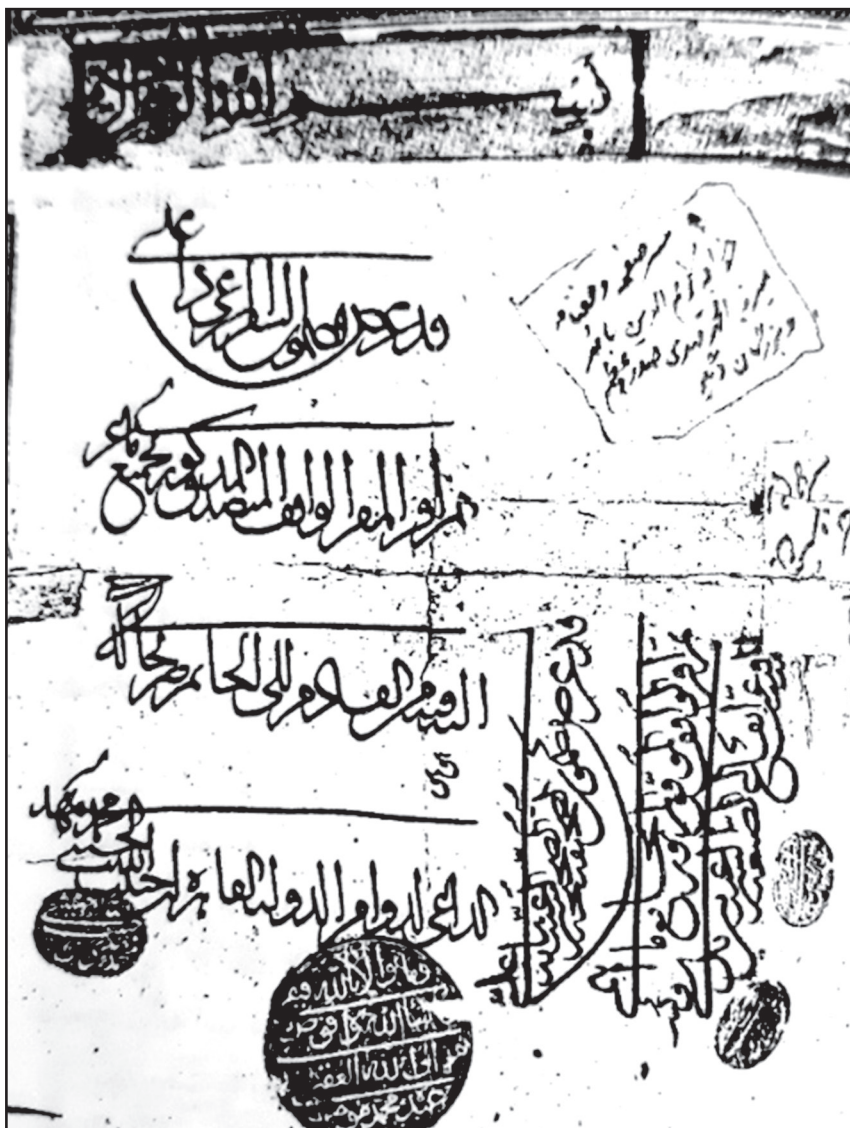
جزر نوشته شده و عبارت «مضمون الحاشیه عَلَیَّ حرره» در دهانه ضاد درج گردیده و در آخر با استفاده از حرف «ی» و قاعده مدنویسی تام پوشانده شده است. متن این عُرْضْ نوشته بدین قرار است: «هو/ عُرْضْ مضمون الحاشیه عَلَیَّ. حرره».

در زمان رونویسی این سند، نه تنها سهواً برای این تصدیق، سه مهر مختلف معرفی شده، بلکه نام پدر میرزا حبیب الله را به جای حسین، ابن محمدصادق اعلام کرده‌اند. (همان: ۴۳۳) در این سال، میرزا حبیب الله صدرممالک بوده است. (رضائی، ۱۳۹۳: ۵۲-۴۳؛ رضائی، ۱۳۸۹: ۷۱-۸۷) شایان ذکر است، این مهر با مهری که برای تأیید امثله استفاده می‌کرده است، فرق دارد.

سند دیگر، وقف نامه حاجی میرزا محمدعلی بن آقانور به تاریخ سوم رجب ۱۰۶۹ق است. از این سند دو رونوشت مختلف قاجاری منتشر شده است. یکی روی سربرگ اداره اوقاف اصفهان و دیگری به تاریخ ۱۲۵۴ق. (اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۵۰۷/۳-۴۹۸) برخلاف کارمند اداری اوقاف اصفهان، محرری که رونوشت ۱۲۵۴ق را تهیه نموده، فرم عُرْضْ نویسی را تا حدودی حفظ و ارائه کرده است. متن تصدیق چنین است: «عُرْضْ مضمونه صریحاً فأقرّ الواقف الموفق عَلَیَّ ما زبر و رقم فيه من البداية الى النهاية و جرت الصیغه الشرعیه لدی. محل خاتم شریف عالی جناب شامخ القاب حقایق و معارف انتساب مرجع الانام و ملاذ الفخام قدوة الفضلاء الکرام فی عصره و الايام الغریق بحار انوار رحمت الله طائر ریاض جنه الله السید السند المیرزا علیرضا نور الله مضجعه». (همان: ۵۰۶/۳، ۵۰۰)

این سند، تاکنون قدیم‌ترین عُرْضْ نویسی یک شیخ الاسلام به تنهایی است. شخص موردنظر همان میرزا علیرضا شیخ الاسلام اصفهان است. در اینجا نیز مثل چند سند قبلی بجای «عُرْضَه» از مترادف آن «مَضْمُونَه» استفاده شده است. البته او که در ۱۰۷۹ق از مصدقان وقف نامه والده شاه سلیمان صفوی بوده و تصدیق مفصلی بر این سند نوشته، عُرْضْ نویسی نکرده است. (همان: ۳۱۰/۷)

بررسی متون دیگر ما را به تصویر اصل وقف نامه عبدالکریم براکوهی سیرجانی می‌رساند که در تاریخ ۱۰۷۱ق تحریر گردیده است. (باستانی‌پاریزی، ۱۳۹۰: ۵۷۷) گفتنی است متن عُرْضْ های منتشره نسبت به اصل سند ایراداتی دارد. این سند دو عُرْضْ نوشته هم‌زمان به خط رقاع دارد. اولی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شده متعلق به میرزا محمد مهدی اعتمادالدوله بوده به جای «عُرْضْ عُرْضَه ... عَلَیَّ» از «قد عُرْضْ مضمون ... داعی» و دومی که با «هو هو» شروع شده متعلق به برادرش میرزا علیرضا شیخ الاسلام بوده از «قد عُرْضْ مضمون ... لدی» استفاده کرده است.



تصویر ۲: دو عَرَضِ نوشته هم‌زمان چند سطری به خط رِقاع (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۵۷۷)

محرر و کارگزار دیوان الصداره برای نوشتن این تصدیق‌ها از یک قلم متوسط استفاده کرده و با طول سطر و تعداد کلماتی که با هم هماهنگی ندارد، به خوبی نشان می‌دهد محرر در خط رِقاع تبحر کافی نداشته، اما با فرم کلی عَرَضِ نویسی انجوی آشنا بوده است. به هر حال، با توجه به طرز نوشتن، به نظر می‌رسد هر دو برادر در یک مجلس حضور داشته و یک محرر تصدیقات هر دو نفر را هم‌زمان نوشته است.

سادات رضوی

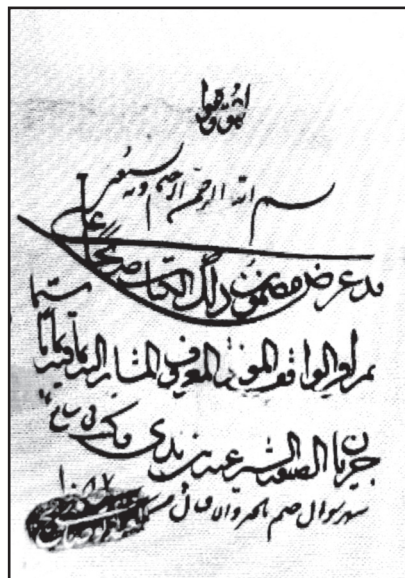
برخی از افراد خاندان رضوی مشهد که منصب صدرات داشته‌اند، در زمان تصدیق قباله‌ها از عَرَضِ نویسی استفاده کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده نقش دیوان‌الصداره در تداوم این سنت است. یکی از این اسناد،

رونوشت وقف نامه میرزا محمدباقر حسینا وزیر قورچی به تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۰۸۵ق است. (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۱۹۶-۱۸۸) تصدیق عُرَضِ دار سر سند از میرزا ابوصالح صدر ممالک است: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین/ قد عُرِضَ مضمون ذلك الكتاب الشرعی عَلَیَّ فَأقر الواقف الموقف المعروف المشار الیه بما [نُمی] الیه فیهِ من المبدء الی الماب صار لدی [و کتب] فی ثامن عشر شهر جمادی الثانی من شهر سنه ۱۰۸۵. [محل مهر]». (همان: ۱۹۶، ۱۹۳)

به دلیل رونوشت بودن، به جز متن و طرز کلی نوشته نگاری، تنوع خط و مهر صدر نامشخص است، اما خوشبختانه بر اساس سند دیگری که اصل است این ابهامات برطرف می‌گردد.

سند مورد نظر که دو عُرَضِ نوشته هم زمان دارد، وقف نامه غلام محمد صدیقی به تاریخ هفتم شوال ۱۰۸۷ق است. (دفتر موقوفات آستان قدس رضوی، شماره ۱۷) تصدیق عُرَضِ دار یک سطر که سمت چپ و نزدیک سر وقف نامه است، متعلق به میرزا ابوطالب رضوی ابن محمدباقر، صدر خاصه است که ۲۱ سال این منصب را در اختیار داشت. تصدیق او چنین است: «قد عُرِضَ مضمون الصحيفة الصحيحة الشرعية ... لَدَیَّ ... [مهر بیضی / نستعلیق:] «... بقضاء الله ابوطالب الرضوی».

دومین تصدیق عُرَضِ دار که شش سطر و پهلو به پهلو نویسی اول، اما زیر تصدیق صدر خاصه است، متعلق به ابوصالح بن میرزا محسن رضوی، صدر عامه است. (تصویر ۳) این تصدیق به دو خط رفاع و شکسته نستعلیق نوشته شده و «هو الله و لا سواه» و «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد: «هو الله و لا سواه/ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین/ قد عُرِضَ مضمون ذلك الكتاب صریحاً عَلَیَّ ثم اقر الواقف الموقف المعروف المشار الیه بما فیهِ تماماً سیما جریان الصیغة الشرعية من یدی و کتب فی سابع شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال من شهر سنه ۱۰۸۷. [مهر بیضی / نستعلیق:] «العبد ابوصالح الرضوی»

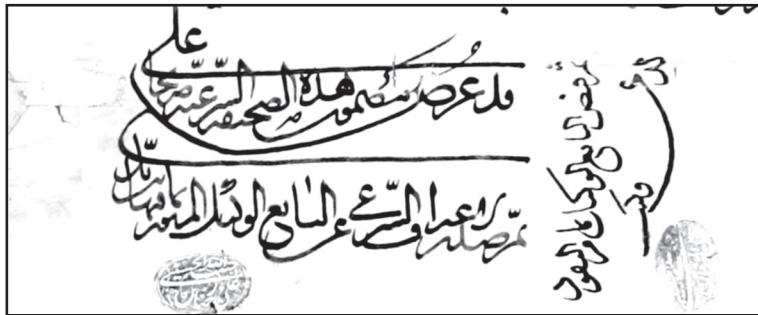


تصویر ۳: عُرَضِ نویسی چند سطر به خط رفاع و شکسته نستعلیق (دفتر موقوفات آستان قدس رضوی، شماره ۱۷)

البته با توجه به فشرده‌نویسی تصدیق صدر خاصه، به نظر می‌رسد اول صدر عامه، میرزا ابوصالح تصدیقش را نوشته باشد، اما بعداً که قرار شده صدر خاصه هم تصدیقی بنویسد، تصدیق او را بالاتر از سجل صدر عامه جا داده‌اند. از نظر خوشنویسی قطعاً هر دو تصدیق به خط یک نفر است. (درباره خاندان سادات رضوی، نک: حسن‌آبادی، ۱۳۸۷)

یکی دیگر از اسنادی که دو عُرْضِ نوشته هم‌زمان دارد، وقف‌نامه مروارید خانم بنت آقا حسین به تاریخ دهم صفر ۱۰۹۰ق است. رونوشت این سند موجود بوده که محرر همان فرم رایج عُرْضِ نویسی را حفظ و گزارش کرده است. اولین تصدیق عُرْضِ دار، سه سطر و در سمت چپ نوشته شده، متعلق به میرزا ابوطالب حسینا شیخ‌الاسلام سابق اصفهان و دومین تصدیق عُرْضِ دار که یک سطر و در سمت راست نوشته شده، متعلق به میرزا ابوطالب رضوی است. (اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۲۲۸/۵، ۲۳۶-۲۳۷)

مبايعه‌نامه قطعی انتقال ملكی در اصفهان به حكيم محمد مسيحا طبیب به تاریخ آخر (سلخ) محرم ۱۰۹۱ق، سومین سند از مجموع اسنادی بوده که این خانواده عُرْضِ نویسی کرده است. این سند که یک تصدیق عُرْضِ دار دارد را میرزا ابوطالب رضوی دو بار مهر زده است. (شهیدی، ۱۳۹۸: ۱۳۶) این تصدیق زیر تحمیدیه و چسبیده به آن نوشته شده، دو قطعه دو سطر و در سمت چپ بالای متن دارد و بدین قرار است: «قد عُرْضِ مضمون هذه الصحیفه الشرعیه صریحاً عَلَیَّ، ثم صدر الاعتراف الشرعی عن البایع الوکیل الزبور بما فها [مهر] ثم قبض البایع الوکیل تمام النقود، لَدَیَّ و کتب. [مهر بیضی/ نستعلیق: «علیرضا بن حبیب الله الحسینی».

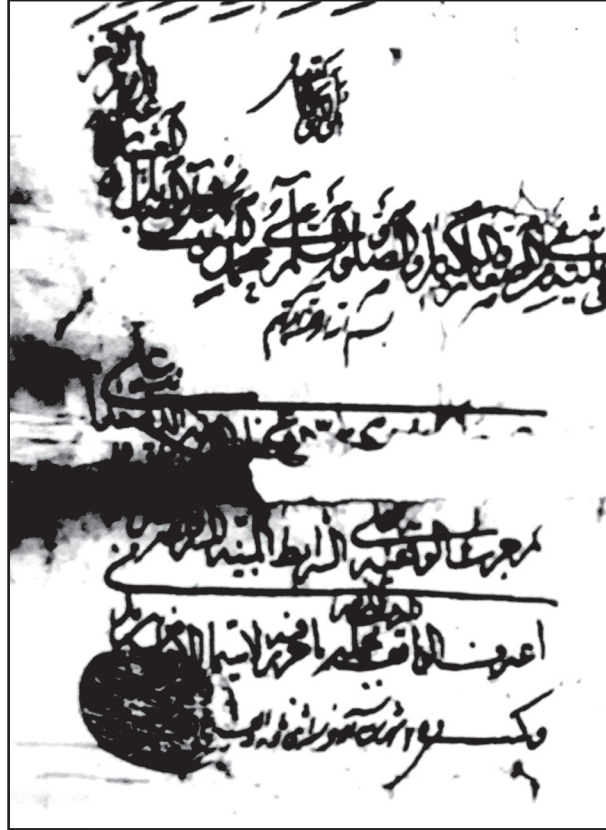


تصویر ۴: عُرْضِ نویسی چند سطر به خط رقا (شهیدی، ۱۳۹۸: ۱۳۶)

میرزا نجف خان صدر عامه

یکی از اسناد شهر اهر، از شهرهای آذربایجان شرقی، وقف‌نامه بیرام‌بیک دزماری است که ملكی در تومان مشکین را در دهه آخر ربیع‌الآخری ۱۱۰۲ق بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی وقف کرده است. اصل و رونوشت این سند در آرشیو سازمان اوقاف نگهداری می‌شود. رونوشت آن در میان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین بخش استان اردبیل و اصل آن در شهر اهر، بخش استان آذربایجان شرقی قرار دارد. بالاترین تصدیق این سند از میرزا نجف خان صدر عامه است. عبارت این تصدیق به دلیل تاخوردگی تا حدودی از بین رفته است. (خسروی، ۱۳۸۴: ۱۴۴-۱۳۵) متن این تصدیق چنین است: «هو الله و لا سواه/ بسم الله الرحمن الرحیم/ [.....]

[...]، ثم جرت الوقفية على الشرايط المبيّنة المشروعة المشروحة فيه و، اعترف الواقف المعرف المزبور بحمله ما حرر فيه لا سيّما الإقباض بين يديّ، و كتب فيه ٢٥ شهر ربيع الاخر سنة اثني و مائة و ألف. [مهر بيضی/ عربی] «الواثق بره الغنى نجف بن محمد جعفر الحسنی الحسينی (١١٠١)». (همان: ١٤١-١٤٠)



تصویر ٥: عَرْضِ نویسی چند سطره خط رقاع و شکسته نستعلیق (همان: ١٤١)

این تصدیق نیز همانند تصدیق میرزا ابوصالح رضوی صدرعامه، چند سطره و به دو خط رقاع و شکسته نستعلیق است و «هو الله و لا سواه» و «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد. حال با توجه به باقیمانده حرفی که به صورت جزر نوشته شده و حدود شش کلمه که در دهانه این حرف درج گردیده و به دلیل آسیب دیدگی از بین رفته است و حرف «ی» از «عَلَى» که باقاعده مدنویسی تام روی عبارت فوق را پوشانده است، مطمئناً این تصدیقه مَعْرضِ نویسی بوده است. بر همین اساس می توان کلماتی را که از بین رفته تا حدی و بدین صورت حدس زد و تصحیح کرد: [قد عَرْضَ مضمون ذلك الكتاب صریحاً] الدینی تماماً عَلَى، ...

خاندان محقق سبزواری

علامه ملا محمدباقر سبزواری معروف به محقق سبزواری (وفات ١٠٩٠ق) از شاگردان شیخ بهایی، استاد مدرسه عبدالله شوشتری در دوره شاه عباس دوم (جلوس ١٠٧٦-١٠٥٣ق) با مرگ علی نقی کمره‌ای (وفات ١٠٦٠ق)

شیخ الاسلام و امام جمعه پایتخت شد. او در دوره شاه سلیمان (جلوس ۱۱۰۵-۱۰۷۶ق) جایگاه رفیع خود را حفظ کرد (نیومن، ۱۳۹۳، ۲۸۸-۲۸۹؛ مهدوی، ۱۳۷۱: فصل اول). با وجود آن که تاکنون سندی عَرَضِ دار از او رؤیت نشده، اما یکی از نوادگانش میرزا مرتضی شیخ الاسلام است که وقف نامه محمدتقی رزّاز اصفهانی به تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۱۹۸ق را به همراه حاجی آقا محمدرضا نائب الصدر عَرَضِ نویسی کرده است. (اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۲۲۵/۱۰، ۲۱۴) متن تصدیق او چنین است: «عَرَضِ مضمون هذه الصحيفة الصحيحة الإسلامية عَلَيَّ، فأقر الواقف الموفق بما ذكر و رقم فيه لدی و كتب الدوام الدوله القاهره. محل مهر مرحوم مبرور جنت مکان آقای حاجی میرزا مرتضی شیخ الاسلام اعلى الله مقامه [...]». با وجود این توضیحات، باید منتظر ماند تا در آینده قباله‌های اصل عَرَضِ دار بیشتری پیدا شود، زیرا رونوشت‌ها به سبب دگرگون‌سازی فرم خط و عَرَضِ نویسی و در اکثر مواقع با معرفی نکردن صاحبان آن‌ها، مانعی جدی برای پژوهشی دقیق است. (نک: اسناد موقوفات اصفهان، ۱۳۸۸: ۹۸/۶، ۸۹، ۳۸۶/۷، ۳۸۲، ۴۵/۸، ۲۰)

نتیجه

این بررسی نشان داد منظور از عَرَضِ نویسی در دوره صفوی و پس از آن، صورت خلاصه شده «عَرَضِ غَرَضُهُ ... عَلَيَّ» و «عَرَضِ مضمونه ... عَلَيَّ» با مرکب مشکي بوده که هم از نظر شکل گرافیکی و هم از جهت عبارت‌پردازی نسبت به قرن هشتم و نهم هجری قمری شکوفا شده است، چنانکه در میان سایر تصدیقات یک قباله، جلوه‌گری داشت. بعلاوه، مشخص شد که برخلاف ادعای مطرح شده در رساله دستور در میان قباله‌های فارس، عَرَضِ نویسی معمول نبوده است. گویا این فرم سجل نویسی از دوره ابوالولی انجوی معمول شده است. این سجل با شکل گرافیکی ویژه‌اش به صدور صفوی اختصاص داشت، اما به مرور توسط برخی از فرزندان آنان که به منصب شیخ الاسلامی دست یافتند، مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این، عَرَضِ نویسی ابوالولی انجوی از نظر نوشته‌نگاری به ویژه کیفیت، وزن و اندازه و تنوع حروف و خط و ترکیبات، با هیچ‌یک از آن‌ها قابل مقایسه نیست، بلکه شکل تقلیل یافته‌ای از آن نوشته‌نگاری با کیفیت و زیباست. به عبارت دیگر، با ورود روحانیت وابسته به خاندان کرکی بجای سادات با سابقه ایرانی، کارگزاران دیوان الصداره نیز به احتمال زیاد دستخوش تغییر و تحول شدند. این افراد احتمالاً خوشنویسان زبردستی نبوده‌اند، بنابراین صرفاً تقلیدی ضعیف از نوشته‌نگاری ممتاز و چند خطی ابوالولی انجوی انجام دادند که تا حد زیادی جنبه بصری خود را از دست داده بود، اما به عنوان یک نماد برای تمایز قشر خاصی از روحانیت (صدور، شیخ الاسلام و نائب الصدر) در اصفهان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

منابع

۱. اسناد موقوفات اصفهان. (۱۳۸۸). گروه علمی مجمع ذخائر اسلامی. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۲. اشراقی، احسان. (۱۳۷۶). «معرفی یک سند از دوران صفوی». گنجینه اسناد. (شماره ۲۸-۲۷)، ۹-۴.
۳. انزابی‌نژاد، رضا، و همکاران. (۱۳۸۸). بیست وقف‌نامه از خراسان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۴. اعظم واقفی، سید حسین. (۱۳۷۹). میراث فرهنگی نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). سنگ هفت اقلیم بر مزار خواجهگان هفت چاه. تهران: علم.
۶. بهاللو، ظهیر، و امید رضائی (۱۴۰۰). «نفوذ صدور صفوی: بر اساس شیوه نگارش و بایگانی یک حکم صفوی». ترجمه علی محمد آزاده. آرشیو ملی. (شماره ۲۶)، ۹۲-۱۱۸.
۷. پاپازیان، ها کوپ. (۱۹۶۸). قبالات فارسی ماتناداران. ج ۲. ایروان.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۵۹). دائرةالمعارف علوم اسلامی، قضائی. ج ۲. تهران: کتابفروشی گنج دانش.
۹. جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). نقش خاندان کرکی در تأسیس دولت صفوی. تهران: علم.
۱۰. حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۱. خسروی، محمد علی. (۱۳۸۴). هفت وقف نامه: گزیده ای از یک صد و پنجاه سال وقف نامه نویسی در دوره صفوی. تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۳). لغت نامه. ج ۵. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. رضائی، امید. (۱۳۸۹). «طغراهای باثبات ترین صدر دوره صفوی». مطالعات تاریخ اسلام. (شماره ۷)، ۷۱-۸۷.
۱۴. رضائی، امید. (۱۳۹۳). «مثال انتصاب محتسب قزوین در سال ۱۰۵۸ قمری». تاریخ ایران. (شماره ۷۳/۵)، ۴۳-۵۲.
۱۵. شهیدی، حمیده. (۱۳۹۸). اسناد ماندگار. مشهد: سازمان کتابخانه ها موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۶. شیرازی، قوام محمد. (۲۰۲۱). رساله دستور. به کوشش امید رضائی. ژاپن: موسسه مطالعات زبان ها و فرهنگ های آسیا و افریقا دانشگاه مطالعات خارجی توکیو.
۱۷. قبالة کفشگران قم. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ها: ۴۰۴۲.
۱۸. مدرسی طباطبائی، حسین. (۱۳۵۲). «یک سند از قرن دهم». وحید. (شماره ۱۰)، ۹۹۶-۹۹۱.
۱۹. مدرسی طباطبائی، حسین. (۱۳۵۳). مثال های صدور صفوی. قم: حکمت.
۲۰. مدرسی طباطبائی، حسین. (۱۳۸۶). قمیات (مجموعه مقالات درباره قم). آمریکا: زاگرس.
۲۱. منشی قمی، قاضی میر احمد. (۱۴۰۰). گلستان هنر. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری.
۲۲. مهدوی، سید مصلح الدین. (۱۳۷۱). خاندان شیخ الاسلام های اصفهان در طول چهار صد سال. اصفهان: گل بهار.
۲۳. نیومن، اندرو. جی. (۱۳۹۳). ایران صفوی نوزایی امپراتوری ایران. ترجمه عیسی عبدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۲۴. وقف نامه غلام محمد صدیقی. دفتر موقوفات آستان قدس رضوی، شماره ۱۷.
۲۵. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۳). «خوشنویسی». ایرانیکا. زیر نظر احسان یارشاطر. ترجمه و ویرایش زیر نظر پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
26. Arjomand, SaidAmir. (1984). The Shadow of God and the Hidden Imam: Religion, Political Organization and Societal Change in Shi'ite Iran from the Beginning to 1890. The United States of America, the University of Chicago Press.
27. Bhalloo, Zahir. (2023). Islamic Law in Early Modern Iran. Berlin/ Boston: Walter de Gruyter GmbH.
28. Gronke, Monika. (1982). Arabische undpersischePrivaturkunderts des 12.und 13. Jahrhunderts aus Arabid (Aserbeidschan). Berlin: Klaus Schwarz Verlag.